بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

آرزو قرنجیک [۱]
منصور گرکز [۲]

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۵

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین برخی مکانیزمهای حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس می‌باشد. مکانیزمهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این تحقیق، درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی می‌باشد و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات استفاده گردید. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۸۷ لغایت ۹۱ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات

۱- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول
۲-دکترای حسابداری و عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، نویسنده مسئول
Email: m_garkaz@yahoo.com

مقدمه

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات اســـت. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت، نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشـــور، آن‌ها را در محل‌های مناســـب خرج می‌کند. اجتناب مالیاتی و فرار از پرداخت مالیات در کشـــورها باعث شـــده اســـت تا درآمدهای مالیاتی از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی اســـت (هانلون[۳] و همکاران، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی اســـتفاده از خلاهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است، بنابراین ازآنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو به نظر می‌رســـد بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکتها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. در این پژوهش سعی شده است قواعد حاکمیت شرکتی که در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شـــرکتها تاثیرگذار است شناسایی و به صورت تبیینی پاسخ علمی برای این پرسش اساسی پیدا کند: آیا رابطه معنی داری بین مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکتها وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

در دهه‌های اخیر، حاکمیت شـــرکتی یکی از جنبه‌های اساســـی تجارت شـــده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش اســـت. تعریف موجود از حاکمیت شـــرکتی در طیفی گسترده قرار می‌گیرند. رویکردهای محدود که به رابطه بین شـــرکت و سهامداران محدود می‌شود در یک سو و رویکردهای گســـترده که توجه جدی به حقوق همه ذی نفعان دارد در ســـوی دیگر طیف قرار می‌گیرند. تعاریف گسترده‌تر نشـــان می‌دهد که شرکتها در برابر کل جامعه، نســـل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیســـت) مســـئولیت دارند. رویکردهای محدود در قالب تئوری نمایندگی و رویکردهای گسترده در قالب تئوری ذی نفعان بیان می‌شـــود. در رویکرد محدود حاکمیت شـــرکتی، دولت به عنوان یکی از ذی نفعان اصلی به ایفای نقش می‌پردازد؛ بدین ترتیب نتایج عملیات شـــرکتها به سود منتهی شود، قبل از هر تصمیمی در رابطه با این ســـود، ســـهم دولت از این سود محاسبه و کنار گذاشته می‌شود و مهم‌ترین ســـهم دولت نیز از این ســـود، مالیات است. در این دیدگاه حتی اگر شرکت خود را ملزم به گســـترش سطح مسئولیت پاسخگویی برای رعایت حقوق دیگر ذی نفعان نداند، بالاجبار به دلیل الزامات قانونی، مجبور به رعایت حقوق دولت دایر بر محاســـبه و پرداخت مالیات اســـت (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). در دیدگاه محدود حاکمیت شـــرکتی، به دلیل نبود شـــفافیت و عدم ســـازوکارهای حاکمیت شـــرکتی به صورت مطلوب، منافع تهیه کنندگان اطلاعات در تضاد اســـت (حتی با منافع

3- Hanlon (2010)

دولت که یکی از ذی نفعان اصلی در دیدگاه محدود محسوب می‌شود). در این دیدگاه، شرکت‌ها خود را به اندازه‌ای پاسخگو می‌دانند که از جرائم و تنبیهات قانونی در امان باشند. در سوی دیگر طیف تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در قالب شبکه‌ای از روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی نفعان بیان می‌شود. سطح مسولیت پاسخگویی شرکت در این دیدگاه گسترش یافته، حوزه وسیع‌تری از سهامداران و دیگر ذی نفعان را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی نفعان مطرح شده، مسولیت پاسخگویی به عنوان جوهره وجودی حاکمیت شرکتی معرفی می‌شود.

بحث اجتناب مالیاتی به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت بیشتر مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و سندمو[۴]، ۱۹۷۲). در شرکت‌ها سهامداران به طور معمول، انتظار دارند که مدیران بدنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهیهای احتمالی بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار برای آنها باشد، بدنبال کاهش بدهیهای مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند (خانی و همکاران،۹۲). بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روشها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک کلینی[۵]،۱۹۷۶). مدیرانی که بدنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکتها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود (دسای[۶] و همکاران، ۲۰۰۷). اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تاثیرگذار باشد (گراهام[۷]، ۲۰۰۶).

ساتوری[۸] (۲۰۰۸) بیان می‌کند که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت از یکسو قواعد حاکمیت شرکتی تاثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکتها دارد و از سوی دیگر طرحهای مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. لانیس و ریچاردسون[۹] (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره

4- Allinggham and sandmo(1972)
5- Jensen and Mackliny(1976)
6- Desai(2007)
7- Graham(2006)
8- Satori(2008)
9- Lanis and richardson (2011)

رابطه‌ای منفی و معنادار با رویه متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر باشد شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد. فریز و همکاران (۲۰۰۶)[۱۰] معتقدند قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها با ارائه امتیازات یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. ساختار اصول راهبری شرکت‌ها تحت تأثیر این که شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، قرار می‌گیرد. همچنین، سامانه مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکتها را در دوره پرداخت سود سهام تحت تأثیر قرار دهد. دسایی، دایک و زینگالس[۱۱] (۲۰۰۷) بیان نمودند که نرخهای مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سامانه‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخهای پایین مالیاتی باعث بهبود سامانه‌های اصول راهبری شرکتها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت. هانلون و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند به رغم تفکیک مدیریت از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آنها با برنامه ریزی صحیح مالیاتی، تصمیمات اثر بخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی، سیستم حاکمیت شرکتی مطلوب از منظر دولت به رویکردی اطلاق می‌شود که حقوق دولت نیز به عنوان یکی از گروههای ذی نفع رعایت گردیده و سهم وی از سود شرکت به صورت دقیق و روشن مشخص شود. لازمه این امر آن است که سهامداران نهادی نظارت کافی بر عملکرد شرکت داشته و فعالیت گرا باشند و هیات مدیره شرکتها نیز توجه به حقوق تمامی ذی نفعان را در اولویت و دستور کار خود قرار دهد، در این میان، مالیات به عنوان بارزترین حقوق دولت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

❐ پیشینه تحقیق

عبدالله خانی و کریم ایمانی و مهناز ملایی (۱۳۹۲) با مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس برای دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ جستجو نمودند. در این تحقیق، تخصص حسابرس در صنعت به سه دسته، شامل تخصص مالیاتی، تخصص حسابرسی صورتهای مالی و کلی (ترکیب تخصص مالیاتی و حسابرسی صورتهای مالی) تقسیم شده و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر نقدی مالیات و تفاوت درآمد قبل از مالیات و درآمد مالیاتی (تفاوت مالیاتی) استفاده شده است. نتایج بیانگر آن است که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت باشد دارای نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکتهایی که حسابرس آنها تخصص صنعت نیست. این امر نشان دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکتهاست.

امید پورحیدری و سعیده برهانی نژاد (۱۳۹۱) تحقیقی تحت عنوان تأثیر خصوصیات اصول

10- Friese et al (2006)

11- Desaia et al *(2007)*

راهبری شـــرکتها بر مدیریت مالیات در شرکتهای پذیرفته شـــده در بورس در بازده زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ بررسی نمودند. خصوصیات اصول راهبری شرکتهای مورد استفاده در این تحقیق اندازه هیات مدیـــره، ترکیب هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و اندازه حســـابرس بوده و برای ســـنجش مدیریت مالیات از نرخ مؤثر مالیاتی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره استفاده نمودند. نتایج تحقیق بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین نرخ موثرمالیاتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل می‌باشـــد و بین ترکیب هیات مدیره و اندازه حســـابرس با مدیریت مالیات ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و اندازه هیات مدیره تاثیری بر مدیریت مالیات ندارد.

یحیی حســـاس یگانه و مجتبی گل محمدی شـــورکی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به نام رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگیهای شـــرکت، ضمن سنجش نرخ موثرمالیات به بررسی رابطه آن با صنعت مربوطه، اندازه شـــرکت، ســـودآوری، اهرم مالی، شدت سرمایه گذاری و ســـاختار مالکیت به عنوان ویژگیهای شـــرکت در بازده زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداختند و نشـــان دادند که میانگین نرخ مؤثر مالیاتی با در نظر گرفتن تمام شـــرکت‌های تحقیق، به نرخ قانونی مالیات بردرآمد نزدیک اســـت و با در نظر گرفتن صنعتی که شـــرکت در آن فعالیت می‌کند هر صنعـــت تقریباً دارای نرخ موثرمالیاتی مخصوص به خود اســـت و بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معناداری وجود دارد و با اهرم مالی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. در ضمن بین نرخ مؤثر مالیات و شدت سرمایه گذاری رابطه معناداری وجود ندارد.

جعفر باباجانی و مجید عبدی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان بررســـی رابطه بین اصول راهبری شرکتها و سود مشمول مالیات شرکتها پرداختند. معیارهای مهم اصول راهبری شرکتها شامل درصد اعضـــای غیر موظف در ترکیب هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل و ســـهامداران نهادی با درصد اختلاف بین ســـود مشمول مالیات ابرازی و قطعی بوده است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آزمون مقایســـه میانگین دو جامعه، آزمون t برای یک میانگین و تحلیل رگرسیون آزمون شده است. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف ســـود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکتهایی که معیار حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکتهایی که معیار حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه شرکتها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

مک گوایر[۱۲] و دیگران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان آیا کارشناسان صنعت باعث تفاوت در اجتناب مالیاتی می‌شـــوند؟ به بررســـی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و ســـطح اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود، زمانی که مؤسســـات حسابرســـی یک متخصص مالیاتی باشـــند مشـــتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این مؤسسات دریافت می‌کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هســـتند. از ســـوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شـــرکتهایی که مؤسســـات حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکتها هستند. به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژیهای مالیاتی

12- Mcquire (2012)

به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورتهای مالی و مالیاتی کمک می‌کنند.

یونگ چی[13] (۲۰۱۲) درتحلیل اقتصادی شـــرکتهای پذیرفته شـــده درهنگ کنگ، به این نتیجه رسیدکه حاکمیت شرکتی با مالیات دارای رابطه می‌باشد و تعداد سهام نگهداری شده بوسیله مدیران، اســـتقلال هیات مدیره وقدرت سهامداران، ارتباط معناداری با نرخ موثرمالیاتی دارد. ضرورت مطالعه وتحلیل تصمیمات شـــرکت از جنبه مالیاتی شامل مشخص کردن اســـتراتژی شرکت در روش‌های مالیاتی اســـت. این تصمیمات بوسیله مدیران شرکت اتخاذ شده اما دارای اثر چشمگیری بر ارزش و نرخ بازده سرمایه گذاری می‌باشد.

مینیـــک و نوگا (۲۰۱۰)[14] درتحقیقی بـــا عنوان آیا عوامل حاکمیت شـــرکتی بر مدیریت مالیات تاثیرگذار اســـت؟ به بررسی اثرات ویژگیهای اصول راهبری شرکتها برمدیریت مالیات پرداخته است. آن‌ها بیان نمودندکه طرح‌های پاداش بعنوان محرکی برای مدیریت جهت سرمایه گذاری در طرحهای بلندمدت و مالیات کامل عمل می‌کند ومدیریت مالیات سهامداران را مرتفع می‌سازد وبطور مثبت با افزایش عایدی سهامداران درارتباط است.

دایرنـــگ و همکاران[15](۲۰۰۸) طی تحقیقی اجتناب مالیاتی (نه فرار مالیاتی) شـــرکت‌ها رادر بلند مدت سنجیدند. آن‌ها در تحقیق خود، اجتناب مالیاتی را توانایی شرکت برای پرداخت مالیات کمتر در بلند مدت عنوان کردند و این اندازه گیری را نرخ موثرمالیاتی نامیدند و به جای استفاده از مالیات محاسبه شـــده طبق اصول پذیرفته شده حســـابداری که در صورت ســـود و زیان شرکتها منعکس می‌شود، مالیات پرداخت شده ظرف ۱۰ سال را بر سود قبل از مالیات منعکس شده در صورت سود و زیان تقســـیم کرده و از آن در تحقیق خود اســـتفاده کردند. دایرنـــگ و همکارانش فرضیه خاصی را در مورد تمایل شـــرکتها به اجتناب مالیاتی آزمون نکردند. نتایج اولیه تحقیق آنها نشـــان می‌دهد که درطول ســـالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ میانگین (میانـــه) نرخ مؤثر مالیاتی،۲۹/۶ درصد (۲۸/۳ درصد) می‌باشـــد. همچنین ۵۴۶ شرکت از مجموع ۲۰۷۷ شرکت انتخابی (درحدود ۲۶/۳ درصد) دارای نرخ موثرمالیاتی مساوی و کمتر از ۲۰ درصد در دوره زمانی تحقیق می‌باشند. آن‌ها در تحقیق خود نرخ مؤثر مالیات یک ســـاله، نرخ مؤثر مالیات پنج ساله و نرخ مؤثر مالیات ده ساله را محاسبه و بر اساس نمودار هیستوگرام رسم شده در مورد این سه نرخ، مشاهده شد هر چه سالهای مورد محاسبه افزایش پیدا کند نمودار متقارن و نرمالی به دســـت می‌آید. آن‌ها در تحقیق خود شـــرکتها را به سه گروه کم مالیـــات (دارای نرخ مؤثر مالیاتی کمتر از ۲۰ درصد)، پرمالیات (دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیش از ۴۰ درصد) و شـــرکتهای دارای نرخ مؤثر مالیات متوسط (دارای نرخ مؤثر مالیاتی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد) طبقـــه بندی نموده‌انـــد. در وهله دوم پایداری و قابلیت اتکای نرخ‌های مؤثر مالیاتی یک ســـاله را به عنوان معیاری برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی در بلند مدت سنجیدند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که نرخ‌های سالانه مقداری پایداری را در طول زمان نشان می‌دهند ولی این پایداری نامتقارن است.

13- Yeung Chi Kwan Timothy. (2012)

14- Minnick and Noga (2010)

15- Dyreng et al(2008)

همچنین نرخ‌های مؤثر مالیاتی سالانه پایین‌تر نسبت به نرخ‌های مؤثر مالیاتی سالانه بالاتر دارای ثبات و پایداری بیشتری هستند. همچنین آنها رابطه بین نرخ‌های مؤثر مالیاتی را با صنایع مختلف سنجیدند. نتایج نشان داد که شرکتهای با نرخ مؤثر مالیاتی کم‌تر از ۲۰ درصد یک کمی بزرگتر، نسبت سود به قیمت پایین‌تر و بازده داراییهای کمتری نسبت به شرکتهای دارای نرخ مؤثر مالیاتی بین ۲۰ درصد تا ۴۰ درصد دارا می‌باشند. همچنین اجتناب کنندگان مالیاتی دارای اهرم مالی بیشتر و مخارج تحقیق و توسعه بیش‌تر می‌باشند.

تائو زنگ[۱۶] (۲۰۱۰) طی تحقیقی تحت عنوان رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و برخی از ویژگیهای شرکت را در کشور چین و در نمونه‌ای متشکل از ۵۵۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادارآن کشور بررسی کرده است. بر اساس نتایج تحقیق وی، رابطه معنی داری بین شرکتها و صنعت مربوطه وجود دارد. آن‌ها همچنین میانگین نرخ مؤثر مالیاتی را در هر منطقه جغرافیایی سنجیده‌اند و نشان دادند نرخ موثرمالیاتی در مناطق غربی کشور چین به مراتب کمتر است و این تا حدودی نشان دهنده سیاست‌های اقتصادی دولت چین می‌باشد که سعی نموده است با برقراری مشوق‌ها و مزیت مالیاتی برای صنایعی که در غرب این کشور واقع شده‌اند باعث رونق اقتصادی دراین منطقه از کشورش شود. در ادامه تائو زنگ رابطه بین برخی از ویژگیهای شرکت نمونه را با نرخ مؤثر مالیاتی سنجیده است و نشان داد رابطه معنی دار و منفی بین نرخ مؤثر مالیاتی و اندازه شرکت وجود دارد. وی برای سنجش سایر ویژگیهای شرکت در این تحقیق از قبیل اهرم مالی، سودآوری و شدت سرمایه گذاری، شرکت‌های نمونه را به شرکتهای کم مالیات، پر مالیات و شرکتهای با نرخ مؤثر مالیات متوسط طبقه بندی کرده است. بررسی اولیه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی در شرکتهای کم مالیات و پر مالیات وجود دارد. تحقیق تائو زنگ نشان داد که رابطه منفی و معنی دار بین نرخ مؤثر مالیاتی با اندازه شرکت، سود آوری و شدت سرمایه گذاری وجود دارد و از طرفی رابطه مثبت و معناداری بین نرخ موثرمالیاتی با اهرم مالی وجود دارد.

❑ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق:

بین مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق:

۱- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثرمالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۲- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثرمالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق

16- Tao Zeng (2010)

بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۳- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثرمالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۴- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۵- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۶- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۷- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۸- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۹- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد

❐ روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. این پژوهش از نظر روش پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. داده‌های این پژوهش مبتنی بر ارقام و اطلاعات صورت‌های مالی شرکتها است که از طریق مراجعه به صورتهای مالی و پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار گرد آوری می‌شوند. به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده و داده‌ها پس از جمع آوری در صفحه گسترده Excel مرتب و طبقه بندی می‌شوند و با نرم افزار Ewies مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

❐ جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش حاضر، بین سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. برای نمونه گیری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است و شرکتهایی که دارای کلیه شرایط زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

- بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ ها) جزء نمونه نمی‌باشند چون ماهیت و کار آنها متفاوت است.
- شرکت طی دوره قلمرو زمانی تغییر سال مالی یا فعالیت یا توقف فعالیت نداشته باشد.
- پایان سال مالی شرکتها ۲۹ اسفند ماه باشد.

- اطلاعات مالی موردنیاز در رابطه با این گونه شرکتها در دسترس باشد.
- مشاهدات سال شرکت که دارای درآمد قبل از مالیات منفی یا صفر نباشند.

با توجه به شـــرایط فوق، تعداد ۱۰۱ شـــرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

❐ متغیرهای تحقیق

عناصر حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل ودرصد مالکیت ســـرمایه گذاران نهادی در شرکت.

درصد مالکیت ســـرمایه گذاران نهادی در شرکت (Inown): به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و ســـایر شـــرکتهای تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شـــوند. درصد مالکیت ســـرمایه گذاران نهادی در شرکت درصد کل ســـهام تملک شده بوسیله سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه محاسبه می‌شود.

درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره Indept)): منظور از اعضای غیر موظف، آن دسته از اعضای هیات مدیره‌ای هســـتند که به طور تمام وقت در شرکت حضور ندارند و به عبارتی کارمند شرکت و شـــاغل در شرکت نیستند و مسئولیت اجرایی رسمی ندارند. در این حالت انتظار می‌رود که استقلال بیشـــتری داشته و بر عملکرد شرکت نظارت بیشتری داشته باشـــند و موجب بهبود کارائی عملکرد شـــرکت‌ها می‌شوند و برابر است با تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیات مدیره.

دوگانگی وظایف مدیرعامل Dceo)): به حالتی اطلاق می‌شـــود که ســـمت مدیر عامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شـــرکت، در فرد واحدی جمع باشـــد. اگر مدیرعامل یک کرســـی در هیات مدیره نداشت برابراست با یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر داده می‌شود.

متغیر وابسته در این تحقیق اجتناب مالیاتی TAX AVOID*it* شرکت‌هاست. بدین منظور از سه مقیاس جایگزین زیر برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی با توجه به پیشینه پژوهش استفاده می‌شود.

ETR*it*: نرخ موثرمالیات؛ از تقســـیم هزینه مالیات شـــرکت i در ســـال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t بدست می‌آید.

CashETR*it*: نـــرخ موثرمالیات نقدی پرداختی؛ نســـبت مالیات نقدی پرداختی (تأدیه شـــده) شرکت i در سال t به درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t

BTD*it*: تفاوت دفتری مالیات؛ تفاوت درآمد قبل از مالیات شـــرکت i در سال t و درآمد مالیاتی، تقســـیم بر کل داراییهای شـــرکت i ابتدای دوره t بدست می‌آید. درآمد مالیاتی نیز از تقسیم هزینه مالیات قطعی بر نرخ مالیات به دست می‌آید.

کاهـــش میزان نرخ مؤثر مالیات، نشـــان دهنده ســـطح بـــالای اجتناب از مالیات اســـت (گوپتا و

نیوبـــری[17]،۱۹۹۷ وریـــگ[18]و، ۲۰۰۳). کاهش میزان نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی نشـــان دهنده ســـطح بالای اجتناب از مالیات اســـت (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). افزایش مقدار تفاوت درآمد قبل از مالیات و درآمد مشـــمول مالیات نشـــان دهنده سطح بالای اجتناب از مالیات است (میلز ۱۹۹۸ و ویلسون[19] ۲۰۰۳).

متغیرهای کنترل شامل اهرم مالی، اندازه و سود آوری شرکت است که بطرق زیر محاسبه می‌شود:

اهرم مالی LEV it) :) مجموع بدهیهای شرکت به کل دارایی حاصل می‌شود.

اندازه شرکت (SIZE *it*): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی به دست می‌آید.

سود آوری شرکت ROA it) :) درآمد قبل از مالیات به کل دارایی حاصل می‌شود.

❐ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرســـیون چندمتغیره استفاده شده است مدل رگرسیون مورد استفاده در زیرآورده شده است:

$$TAX\ AVOIDit = \beta0+(\beta1*\ Indep\ it)+(\beta2*\ Dceo\ it)+(\beta3*\ Inownit)+(\beta4*\ Sizeit)+(\beta5*\ LEV\ it) + (\beta6*\ ROA\ it)+\varepsilon it$$

در این مدل متغیر εit جزء ناشناخته (خطا) می‌باشد.

در ایـــن تحقیق نرخ موثرمالیات، نرخ موثرمالیـــات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات مقیاس جایگزین، برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی اســـتفاده می‌شود، در این صورت مدل فوق به مدل‌های زیر تبدیل می‌گردد.

$$ETRit=\beta0+(\beta1*Indep\ \ it)+(\beta2*Dceoit)+(\beta3*Inownit)+(\beta4*Sizeit)+(\beta5*LEVit)+\ \ (\beta6*ROAit)+\varepsilon it$$

$$CashETRit=\beta0+(\beta1*Indepit)+(\beta2*Dceoit)+(\beta3*Inownit)+(\beta4*Sizeit)+(\beta5*LEVit)+\beta6*ROAit)+\varepsilon it$$

$$BTDit=\beta0+(\beta1*Indepit)+(\beta2*Dceoit)+(\beta3*Inownit)+(\beta4*Sizeit)+(\beta5*LEVit)+(\beta6*ROAit)+\varepsilon it$$

در این مدلها متغیر εit جزء ناشناخته (خطا) می‌باشد.

❐ یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی

جدول شـــماره (۱) آمار توصیفی محاســـبه شده شـــامل میانگین، میانه، انحراف معیار متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد.

17- Gupta and Newbery(1997)

18- Rego(2003)

19- Wilson(2003)

جدول شماره (۱)- نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نرخ مؤثر مالیات	ETR	۰/۱۳۳۲۶۴	۰/۱۵۸۹۰۴	۰/۰۸۷۵۳۵	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۳۹۱۴۶۲
نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی	CashETR	۰/۲۱۴۲۶۷	۰/۱۴۷۱۳۲	۰/۵۰۲۴۸۵	-۳/۷۴۳۲۶۸	۶/۰۰۰۰۰۰
تفاوت دفتری مالیات	BTD	-۰/۰۰۸۷۰۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۳۵۹۲۵۴	-۵/۵۲۷۸۴۴	۰/۵۹۲۳۴۲
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	Indept	۰/۶۲۰۶۸۴	۶/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۰۰۶۳۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	Dceo	۰/۰۱۷۹۲۸	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۳۲۸۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰
درصدمالکیت سرمایه گذاران نهادی	Inown	۰/۷۲۳۷۸۶	۰/۷۵۳۲۳۵	۰/۱۸۳۶۵۳	۰/۰۴۱۸۰۰	۱/۰۲۲۷۱۳
اندازه شرکت	SIZE	۵/۵۶۲۸۱۲	۵/۵۷۶۶۲۱	۰/۲۶۲۴۹۵	۴/۹۲۳۴۸۲	۶/۲۰۵۴۷۶
اهرم مالی	LEV	۰/۶۴۹۳۴۴	۶/۶۲۸۴۱۷	۰/۳۱۸۴۴۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۵/۰۰۰۰۰۰
سود آوری شرکت	ROA	۰/۱۸۳۲۰۰	۰/۱۱۳۳۴۵	۰/۶۰۲۹۵۵	-۰/۰۰۴۷۲۹	۱۲/۰۰۰۰۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد ۶۲٪ اعضای هیات مدیره را افراد غیر موظف تشکیل می‌دهد. همچنین ۶۴٪ دارایی‌های شـــرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده‌اند و متوسط سودآوری شرکت ۱۸٪ می‌باشد. متغیر اندازه شرکت بر مبنای لگاریتم طبیعی می‌باشد.

❑ نتایج حاصل از آزمونهای آماری فرضیه‌های تحقیق

تعیین روش برآورد مدل‌های تحقیق

با توجه به روش مدل سازی داده‌های تلفیقی، ابتدا باید از آزمون F لیمر مشخص نمود که کدامیک از فروض یکسان بودن عرض ازمبدأها یا متفاوت بودن آن برای مقاطع مختلف، اعمال گردد. در این آزمون در هر ســـه مدل مقدار آماره F محاســـباتی از مقدار بحرانی F جدول، بزرگ‌تر است در نتیجه فرضیه صفر یکســـان بودن عرض از مبدأها رد شده و H۱ متفاوت بودن عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۲- نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های تحقیق

مدل	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل فرضیه اول	۴/۲۱	۱۰۰,۳۹۸	۰/۰۱۰	رد H۰
مدل فرضیه دوم	۴/۳۹	۱۰۰,۳۹۸	۰/۰۰۰	رد H۰
مدل فرضیه سوم	۳/۴۱	۱۰۰,۳۹۸	۰/۰۱۲	رد H۰

پس از مشـــخص شدن عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت و تصادفی) تعیین گردد، بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است. در این آزمون فرضیه H۰ (اثرات تصادفی) با توجه به سطح معناداری بدست آمده رد شده و در نتیجه روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت واثرات تصادفی

مدل	آماره χ^2	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	روش تأیید شده
مدل فرضیه اول	۱۸/۰۴۱	۶	۰/۰۰۷	رد H_0	اثرات ثابت
مدل فرضیه دوم	۱۳/۵۴۱	۶	۰/۰۱۹	رد H_0	اثرات ثابت
مدل فرضیه سوم	۱۵/۶۶۹	۶	۰/۰۱۱	رد H_0	اثرات ثابت

جدول شماره ۴- نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا سوم

$$ETR_{it}=\beta_0+(\beta_1*Indep_{it})+(\beta_2*Dceo_{it})+(\beta_3*Inown_{it})+(\beta_4*Size_{it})+(\beta_5*LEV_{it})+(\beta_6*ROA_{it})+\varepsilon_{it}$$

متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	۰/۰۳۶۰	۱۱/۰۰۳	۰/۰۰۰۰
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	۰/۰۰۱۹	۰/۴۱۵۶	۰/۰۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	-۰/۰۰۰۳۳	-۰/۶۰۵۶	۰/۵۴۵۲
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	-۰/۰۰۲۹	۱۰/۸۵۷۰	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۰۲۷	-۳/۴۵۷۳	۰/۰۰۰۶
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۰۵۴	-۰/۸۷۳۵	۰/۳۸۳۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۲/۹۵	-۱/۳۰۸۳	۰/۱۹۱۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۹	آماره F		۶/۵۶۸۱
آماره دوربین واتسون	۲/۰۵۸	سطح معناداری کل مدل		۰,۰۰۰۰۰۰

مقایســـه مقـــدار آماره F (۶/۵۶۸۱) در نگاره بالا با F جدول نشـــان دهنـــده معناداری کلی مدل رگرســـیونی برازش شده در سطح اطمینان ۹۵٪ اســـت. ضمن اینکه مقدار احتمال مربوط نیز خود دلیلی بر این مدعاست (Prob(F-statistic <۰,۰۵). با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۴۹ در صد از تغییرات در متغیر وابســـته مدل (نرخ مؤثر مالیات (ETR))، توســـط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. مقدار محاسبه شده آماره DW دوربین- واتسون در این مدل برابر با ۲/۰۵۸ می‌باشـــد که با توجه به نزدیک بودن آن به عدد ۲ می‌توان دریافت که این

آماره در ناحیه عدم وجود خودهمبستگی قرار دارد و مدل دچار مشکل خود همبستگی میان جملات پسماند نیست.

نتیجه آزمون فرضیه اول: بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثرمالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

همانطورکه در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INDEPT)، برابربا ۴/۴۱۵۶ بوده که بیشتر از t جدول یعنی ۹/۹۶ است (ناحیه رد H۰ یا ناحیه بحرانی). همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال (Prob.) ضریب برآوردی متغیر مستقل از ۰/۰۵ (سطح خطا) نیز خود دلیل دیگری بر ارتباط مثبت و معنادار بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات می‌باشد. نتایج بدست آمده با نتایج تحقیق لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) مبنی بر رابطه مثبت و معنادار بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر هزینه مالیات همخوانی دارد و با نتایج پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) همخوانی ندارد. همچنین خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه معکوس و معنادار بین تخصص مالیاتی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه دوم بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثرهزینه مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه آزمون فرضیه دوم در جدول شماره (۴) نمایش داده شده است.

ضریب برآوردی متغیر مستقل تحقیق در این فرضیه بیانگر وجود رابطه منفی میان دوگانگی وظایف مدیرعامل و متغیر وابسته تحقیق (ETR) است. اما با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده آماره t یعنی ۰/۶۰۵۶ در ناحیه پذیرش H۰ قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی ۰/۵۴۵۲ بیشتر از ۰/۰۵ است می‌توان دریافت که این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین دوگانگی وظایف مدیر عامل و نرخ مؤثر مالیات در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در تحقیق خود مبنی بر اثرات ویژگیهای اصول راهبری شرکت بر مدیریت مالیات به رابطه مثبت و معنادار بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثرمالیات دست یافتند. خانی و دیگران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه منفی و معنادار بین تخصص مالی حسابرس و نرخ موثرهزینه مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه سوم: بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ مؤثر مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

بر مبنای اطلاعات جدول شماره (۴) می‌توان دریافت که که آماره محاسبه شده t (۱۰/۵۸۷) در ناحیه رد H۰ قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا (۰/۰۵) می‌باشد که نشان دهنده ارتباط مثبت و معنادار بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثرمالیات می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه معکوس و معنادار بین تخصص کلی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات دست یافتند

جدول شماره ۵- نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم

$CashETR_{it}=\beta_0+(\beta_1*Indep_{it}+(\beta_2*Dceo_{it})+(\beta_3*Inown_{it})+(\beta_4*Size_{it})+(\beta_5*LEV_{it})+(\beta_6*ROA_{it})+\varepsilon_{it}$

متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	-۲۳/۲۵۳۹	-۴/۲۵۵۵	۰/۰۰۰۰
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	۱/۷۱۲۰	۲/۵۴۰۰	۰/۰۱۱۶
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	-۰/۴۵۸۴	-۱/۹۱۵۲	۰/۰۵۶۴
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	۲/۴۲۷۲	۵/۲۴۸۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۱۲۳۷	-۰/۹۲۶۹	۰/۳۵۴۷
اهرم مالی	LEV	-۰/۵۴۸۳	-۰/۸۱۴۲	۰/۴۱۶۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۲۵۲	-۰/۸۳۴۵	۰/۴۰۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷	آماره F		۱۰/۷۷۷۶
آماره دوربین واتسون	۱/۹۷۵۰	سطح معناداری کل مدل		۰,۰۰۰۰۰۰

نتیجه آزمون فرضیه چهارم: بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنا داری وجود دارد». ضریب برآوردی متغیر مستقل INDEPT در نگاره بالا نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار میان درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق، برابر با ۲/۵۴۰ بوده که بیشتر از t جدول یعنی ۱/۹۶ است (ناحیه رد H_0 یا ناحیه بحرانی). خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی بین تخصص مالیاتی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه معناداری دست نیافتند.

نتیجه آزمون فرضیه پنجم: بین دوگانگی وظایف مدیر عامل و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول بالا مقدار محاسبه شده آماره t برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (DCEO)، یعنی ۱/۹۱۵ در ناحیه پذیرش H۰ قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی ۰/۰۵۶۴ بیشتر از ۰/۰۵ است و این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معناداری بین تخصص مالی حسابرس و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی مشاهده نمودند.

نتیجه آزمون فرضیه ششم: بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجوددارد.

مقدار احتمال ($Prob$) ضریب برآوردی متغیر مستقل کوچکتر از ۰/۰۵ (سطح خطا) می‌باشد که نشان می‌دهد بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجوددارد. خانی و

دیگـــران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با نام رابطه بین تخصص حســـابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی، رابطـــه معنادار و معکوس بین تخصص کلی حســـابرس و نرخ موثرمالیات نقدی پرداختی مشـــاهده نمودند.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های هفتم تا نهم

$BTD_{it}=\beta_{۰}+(\beta_{۱}*Indep_{it})+(\beta_{۲}*Dceo_{it})+(\beta_{۳}*Inown_{it})+(\beta_{۴}*Size_{it})+(\beta_{۵}*LEV_{it})+(\beta_{۶}*ROA_{it})+\varepsilon_{it}$

متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	-۰/۰۱۰۸	-۲/۵۹۷۱	۰/۰۰۹۹
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	-۰/۰۰۲۸	-۵/۶۱۵۸	۰/۰۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	۰/۰۰۰۱۱	۰/۴۴۹۶	۰/۶۵۳۳
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	-۰/۰۰۱۱	-۳/۲۷۵۴	۰/۰۰۱۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰۴۱	۳/۶۷۷۵	۰/۰۰۰۳
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۰۵۱	۰/۹۲۶۱	۰/۳۵۵۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۲/۹۱	۱/۲۳۶۷	۰/۲۱۷۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۳	آماره F		۱۳/۹۴۰۲
آماره دوربین واتسون	۲/۱۶۳۷	سطح معناداری کل مدل		۰,۰۰۰۰۰۰

نتیجـــه آزمون فرضیه هفتم بین درصد اعضاء غیرموظـــف هیات مدیره و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول شـــماره (۶) نتایج آزمون فرضیه هفتم ارائه شده اســـت ضریب برآوردی متغیر مستقل INDEPT در نگاره بالا نشان دهنده وجود رابطه منفی و معنادار میان درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره با تفاوت دفتری مالیات در ســـطح خطای ۰/۰۵ اســـت. زیرا آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INDEPT)، برابر ۵/۶۱۵ بوده که بیشتر از t جدول یعنی ۱/۹۶ است (ناحیه رد H۰ یـــا ناحیه بحرانـــی). همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال ضریب برآوردی متغیر مســـتقل (Prob.=۰,۰۰۰۰) از ۰/۰۵ (ســـطح خطـــا) نیز خود دلیل دیگری بـــرای رد فرضیه H۰ و پذیرش معنادار بودن ضریب برآوردی متغیر مستقل (یعنی H۱) می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالیاتی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه هشـــتم: تحقیق بیان می‌دارد که: بیـــن دوگانگی وظایف مدیرعامل و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به اینکه مقدار محاســـبه شـــده آماره t یعنی ۰/۴۴۹۶ در ناحیه پذیرش H۰ قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی ۰/۶۵۳۳ بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین دوگانگی وظایف مدیر

عامل و تفاوت دفتری مالیات در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه نهم: بین درصدمالکیت سرمایه گذاران نهادی و تفاوت دفتری مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

بر مبنای اطلاعات جدول شماره (۶) می‌توان دریافت که بین متغیردرصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. معنادار بودن این رابطه به این علت است که آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INOWN)، برابر ۳/۲۷۵۴ بوده و در ناحیه رد H۰ قرار گرفته همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال ضریب برآوردی متغیر مستقل (Prob.) از ۰/۰۵ (سطح خطا) نیز خود دلیل دیگری می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار بین تخصص کلی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات مشاهده نمودند.

❐ نتیجه گیری و پیشنهادات

۱- نتایج حاصل از تحقیق وجود رابطه معنادار بین برخی مکانیزمهای حاکمیت شرکتی را با اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج بدست آمده از فرضیات تحقیق نشان می‌دهد بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر هزینه مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بعبارت دیگر هرچه ترکیب اعضای هیات مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شود در ایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل نموده وسطح اجتناب مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد. همچنین سرمایه گذاران نهادی، یک گروه از نظارت کنندگان خارجی به شمار می‌روند که نقش مهم در فرایند نظارت و نظام دهی به فعالیت مدیران ایفا می‌کنند. سرمایه گذاران نهادی از طریق سهام عمده‌ای که در اختیار دارند و حق رأی ناشی از آن، مدیران را مجبور می‌کند تا از رفتارهای مغایر منافع شرکت اجتناب کنند و از انجام اقداماتی که بر اعتبار شرکت اثرات منفی داشته باشد جلوگیری می‌نمایند.

۲- کلیه فرضیه‌های مربوط به متغیر مستقل دوگانگی وظایف مدیرعامل، عدم وجود رابطه معنادار با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات را نشان می‌دهد، به عبارت دیگر در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوگانگی وظایف مدیرعامل تاثیری برسطح اجتناب مالیاتی شرکتها ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای کاهش اجتناب مالیاتی شرکتها تمرکز در این زمینه از حاکمیت شرکتی برداشته و جنبه‌های دیگر حاکمیت شرکتی مد نظر قرار گیرد.

۳- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با برقراری مکانیزمهای حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکتها اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد و حقوق دولت به عنوان یکی از گروههای ذی نفع توجه می‌شود

و تعهدات مالیاتی برآورده می‌گردد، بنابراین می‌توان با ایجاد حاکمیت شرکتی مناسب با تشویق و حتی الزام کردن کاربرد مکانیزمهای آن بوسیله بورس اوراق بهادار، نسبت به وصول درآمدهای مالیاتی که از منابع مهم درآمدی کشور محسوب می‌گردد اقدام نمود.

۴- با عنایت به این که اجتناب مالیاتی اثرات منفی بر اعتبار شرکت داشته و منجر به افزایش خطرات آتی در زمینه بدهی‌های مالیاتی و جرائم مرتبط با آن‌ها می‌شود، لذا پیشنهاد می‌گردد سرمایه گذاران و سایر ذی نفعان در تصمیم گیری‌های خود نتایج این تحقیق را مد نظر قرار دهند و به ارزیابی مخاطرات مالی و اعتبار شرکت در ارتباط با هر نوع استراتژی برقرار شده مالیاتی بپردازند.

۵- اظهارنامه مالیاتی تکمیل شده توسط شرکت بصورت عمومی در دسترس همگان قرار بگیرد. اگر پرداخت کنندگان مالیاتی بدانندکه اطلاعات مالیاتی آنها عمومی شده و در دسترس همگان قرار می‌گیرد، انگیزه کمتری برای دست زدن به معاملاتی پیدا می‌کنند که باعث کاهش بدهی مالیاتی آنها شود.

❐ پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

۱- این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است، لذا برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که موضوع را در صنعت خاص مورد بررسی قرار دهند.

۲- در تحقیق حاضر ارتباط سه جنبه از حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت بعنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفت. لذا پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی تأثیر جنبه‌های دیگر حاکمیت شرکتی از جمله اندازه شرکت، اندازه حسابرس، نفوذ مدیرعامل و... در شرکتها، صنایع تولیدی و...) بر اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گیرد.

۳- حساب ذخیره مالیات یکی از حسابهای مندرج زیر سرفصل بدهیهای جاری در ترازنامه است که هر سال بر اساس معیارهای مورد نظر مدیریت برآورد می‌گردد بنابراین پیشنهاد می‌گردد شناسایی عواملی که باعث برآورد دقیق حساب ذخیره مالیات می‌گردد مورد بررسی قرار گیرد.

❐ منابع فارسی:

۱- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹).»رابطه اصول راهبری شرکتها و سود مشمول مالیات شرکتها «، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم ص ۶۵-۸۶

۲- پورحیدری، امید و برهانی نژاد، سعید. (۱۳۹۱).»بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبری شرکتها بر مدیریت مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دانش حسابرسی، شماره ۴۹، زمستان ۹۱، ص ۸۵-۹۶

۳- پورحیدری، امید و امیر سروسنانی (. (۱۳۹۲).»شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات «، دانش حسابرسی، شماره ۱۲، بهار ۹۲، ص ۸۹-۱۱۰

۴- خانی، عبدالله و همکاران. (۱۳۹۲).»بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب

مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دانش حسابرسی، شماره ۵۱، تابستان ۹۲. ص ۶۱-۸۶

۵- خدامی پور، احمد و همکاران. (۱۳۹۲).»بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شـــرکتهای پذیرفته شـــده در بورس اوراق بهادار تهران»، پژوهشنامه مالیات، شماره هفدهم، بهار ۹۲.

۶- حساس یگانه، یحیی و گل محمدی، شورکی. (۱۳۹۰).»رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگیهای شرکت «، پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، زمستان ۹۰.

۷- جم، فرهاد. (۱۳۷۹)).»رفتار حرفه‌ای مشاوران مالیاتی: اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی «، مجله حسابرس، ۶: ۴۱-۴۳

۸- موسوی جهرمی، یگانه و همکاران. (۱۳۸۸).»فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری»، فصلنامه مالیات، شماره پنجم، تابستان ۸۸.

❐ منابع لاتین:

1.Allingham, Michael G.and A.sandmo. (1972). imcome tax evasion:Atheoretical analysis. Journal of puplic and economics, 1: (323338-)

2.Desai, M., Dyck, i.,Zingales, (2007). Theft and taxes journal of Financial Economics.84:,591623-

3.Desai, M., Dharmapala, D., (2008). Corporate tax avoidance and highpowerered incentives. J. Fin.Econ.79,145179- Economics, 77, 375410-

4.Dyreng,s.,Hanlon.M Maydew E, (2008).long – run corporate Taxavoidance.ACCTNG. Rev.83 6182-

5.Frese A.,M.Hanlon, and E.Maydew. (2008). Long-run Corporate tax avoidance.the accounting review.83(1):6182-

6.Gleason, C., and L Mills (2011). Do auditor - provided tax services improve the estimate of tax expense? contemporary accounting research, 28(5):14841509-

7.Gupta, s., and k. Nuwberry (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates:Evidence from longitudinal study. Journal of accounting and public policy, 16(1):134-

8.Graham, J., Tucker,A. (2006).Tax shelters and corporate debt policy Journal of financial economics, 81:563594-

9.Hanlon,M, and S. Heitzman. (2010). Areview of tax research Journal of accounting and economics, 50(2178-127:(3-

10.Hogan,B..,And T.Noga. (2010).the association between changes in auditor provided tax services and Corporate tax avoidance working paper northeastern university and Bentley university

11.Jensen., M.,Meckling., W. (1976). Theory of the firm: managerial behavior., agency costs and ownership structure jounal of financial Economics.,3:305360-

12.Lanis, R..., Richardson (2011). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: an:empirica analysis J. Account. Public policy.

13.Lanis, R..., Richardson (2011). The effect of board of director composition on Corporate tax aggressiveness., Journal of accounting and public policy, vol 30.,pp 5070-.

14.Maccuire.,sean T.,.Thomas c. omer and Dechun Wang. (2012). tax avoidance: Does tax-specific industry expertise Make a difference?The accounting review,87 (3).

15.Mills,Lillian F.and Nuwberry.,kayel j.. (1998).The influence of tax and Nontax costs on books tax reporting differences.

16.Rego.,s. (2003).tax avoidance activities of.u.s.multtinational corporations contemporary accounting research,20(4):805833-

17.Satori,Nicolas. (2008).effects of strategic tax behaviors on corporate govermance. university of Michigan

18.zeng,, Tao. (2010) “Income tax liabity for large corporations in china: 19982007-, Asian review of,18,3,180196-